

زنان در سیاست

مطالعه موردی

w w w . y a l d a n e t w o r k . o r g





این نوشته تلاش می‌کند تا از طریق نقل چند داستان، زنان ایران را ترغیب کند تا برای تصدی سمت‌های سیاسی نامزد شوند. داستان‌ها و تمرین‌های این متن مربوط به زنانی از سراسر جهان است. مسئله‌ای برانگیزاننده که جوامع محلی زنان را تحت تأثیر قرار داده و شوق یافتن راه حلی برای پرداختن به مشکلات همسایگان، موجب فعالیت سیاسی این زنان شده است.

از این نوشته میتوان به عنوان یک خودآموز یا راهنمای آموزشی استفاده نمود. در هر بخش، ابتدا داستان یک زن روایت شده، سپس آموخته‌های مربوط به موضوع ویژه داستان ذکر گردیده و در نهایت تمرینات پایانی برای تامل در زمینه مسئله و ابزارهایی برای کمک به آمادگی بهتر خوانندگان جهت ورود به زندگی سیاسی ارائه شده است.



زنان در سیاست

مشارکت در سیاست تنها منحصر به مقامات منتخب و یا تصمیم‌گیرندگان منتصب در سطح ملی نیست و مفهومی بسیار گسترده‌تر از رأی‌دهی در انتخابات دارد. مشارکت سیاسی به معنای فعالیت جهت بهبود زندگی مردم و پیشرفت جوامع محلی است. این فرایند شامل فعالیت‌های گوناگون، از صحبت ساده در مورد مشکلات پیش روی یک جامعه محلی تا مشارکت از طریق ارائه ایده‌ها و راه‌حل‌ها، حمایت یا مقابله با سیاست‌گذاری‌ها و مقررات، گردهمایی و سازماندهی مردم، شرکت در کمپین‌های انتخاباتی به عنوان حامی یا نامزد، یا تبدیل شدن به نماینده منتخب یا تصمیم‌گیرنده منتصب می‌شود.

اگرچه استانداردهای پذیرفته شده بین‌المللی برای تأمین حقوق برابر زنان و مردان جهت مشارکت کامل در سیاست ضمانت‌هایی تعیین نموده، اما در عمل مشارکت زنان بسیار کمتر از مردان است. بنابر اعلام آژانس زنان سازمان ملل متحد (UN)، تا ماه ژوئن سال ۲۰۱۶ در سراسر جهان تنها ۲۲.۸ درصد از اعضای مجالس و فقط ۱۷ درصد از وزرای دولت را زنان تشکیل می‌دادند. موانع متنوعی در مسیر مشارکت سیاسی زنان وجود دارد که از آن جمله می‌توان به موانع ساختاری مانند قوانین و نهادهای تبعیض‌آمیز جنسیتی، خشونت و ارباب، نبود حمایت اجتماعی، سنت‌های محافظه‌کارانه، و فقدان اعتماد به نفس، امکانات مالی، دسترسی به فن‌آوری و فرصت‌های ظرفیت‌سازی اشاره کرد.

با این وجود، تجربه نشان داده است که حضور زنان و مشارکت آنها در سیاست اثرات مثبتی بر تخصیص منابع و اولویت‌بندی خدمات در جوامع محلی دارد. [شواهد نشان می‌دهد](#) که رهبران زن عموماً شفقت و همدلی بیشتری داشته و پس از انتخاب به سمت سیاسی نیز احتمال فعالیت آنها در زمینه مسائلی که با آن مواجه بوده‌اند بیشتر است. به عنوان مثال، مراقبت‌های بهداشتی در دستور کار آنها اولویت بیشتری دارد، چرا که زنان اغلب مراقبان اولیه هستند. آموزش و پرورش نیز در اولویت قرار می‌گیرد، زیرا زنان محروم از تحصیل احتمالاً فرصت‌های کمتری برای نجات خود و خانواده خود از فقر خواهند داشت. علاوه بر این، زیرساخت‌ها نیز یکی از دغدغه‌های اصلی آنها است، زیرا موانع حاصل از نبود زیرساخت‌های مناسب اغلب تأثیر بیشتری بر زنان می‌گذارد. به عنوان مثال، برخی مطالعات نشان می‌دهد که تأمین آب سالم یکی از اولویت‌های تصمیم‌گیرندگان زن است زیرا احتمال آن که آنها خود



مسئول تأمین آن باشند بیشتر است. پرداختن به این مسائل باعث کاهش فقر شده و شرایط را نه فقط برای زنان بلکه در سراسر جامعه محلی بهبود می‌بخشد.

علاوه بر این، تجربه نشان می‌دهد که رویکرد زنان مشارکتی‌تر بوده و عموماً تمایل بیشتری به جامع‌نگری، مشاوره و حل مسئله دارند. از سوی دیگر، احتمال آن که زنان خود و اراده خود را به فرایند تصمیم‌گیری تحمیل کنند کمتر است. این بدان معناست که تصمیمات آن‌ها بیشتر مبتنی بر رضایت طرفین بوده و با توجه به منافع جوامع محلی اتخاذ می‌گردد. همانطور که مشاهده می‌کنیم، حضور زنان در نهادها و دولت‌ها نه فقط به دلیل پیروی از استانداردهای بین‌المللی و تضمین حقوق آن‌ها، بلکه به دلیل ضرورت مشارکت سیاسی زنان برای پیشرفت و توسعه پایدار جامعه محلی به عنوان یک مجموعه است.

ویژگی‌های رهبران و رهبری

پیش از خواندن داستان پروفیسور کریستین منگو، به پرسش‌های زیر فکر کنید:

- یک رهبر خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟
- آیا هیچ ویژگی وجود دارد که در مردان مثبت و در زنان منفی تلقی شود، و بالعکس؟ چرا؟

داستان پروفیسور کریستین منگو، کنیا¹

پروفیسور کریستین منگو عضو پیشین مجلس کنیا از حوزه انتخابی بوتولا² است. او پیش از آن که تصمیم به فعالیت سیاسی بگیرد و در سال ۲۰۰۲ به نمایندگی مجلس انتخاب شود، به عنوان مدیر مرکز مطالعات دریاچه ویکتوریا و نواحی اطراف خدمت کرده بود. منگو با انگیزه رسیدگی به مسائل مبتلا به جامعه‌اش، از دانش و مهارت خود به عنوان یک رهبر استفاده نمود تا با کسب سمت

¹ این داستان از "زنان و رهبری سیاسی در کنیا - ده موردکاوی"، Nyokabi Kamau، بنیاد هاینریش بل شرق و شاخ آفریقا، ۲۰۱۰، اقتباس شده است
https://ke.boell.org/sites/default/files/women_in_leadership_study.pdf

² Butula



سیاسی جامعه خود را بهبود بخشد. تجربه او نشان‌دهنده تجارب زنان بسیاری است که در نتیجه شرایط موجود سیاست‌مدار شده‌اند و مهارت‌های رهبری آنها نیز در مواجهه با چالش‌هایی که زندگی بر سر راه آنها قرار داده ارتقاء پیدا کرده است. داستان کریستین منگو همچنین اشتیاق و تعهد واقعی نسبت به ارزش‌ها و تقویت جوامع محلی را روایت می‌کند.

علاقه به سیاست

علاقه کریستین منگو به سیاست با تجربه عضویت شوهرش در مجلس آغاز شد. همان طور که از اغلب همسران سیاست‌مداران انتظار می‌رود، او نیز در کمپین‌های انتخاباتی و تعاملات با رأی‌دهندگان از شوهر خود پشتیبانی می‌نمود و بدین ترتیب، ارتباط و علاقه فراوانی نسبت به فعالیت و تعهدات رهبران سیاسی در وی ایجاد شد.

بیشتر زندگی من صرف پژوهش شده است و من از تحقیق به سمت تدریس در دانشگاه رفتم؛ اما پیش از آن، از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۸، شوهر مرحومم فعالیت سیاسی داشت و به همین دلیل من هم چاره‌ای جز تعامل نداشتم. من از او حمایت کرده، در کمپین‌های انتخاباتی او شرکت می‌نمودم و تعاملات فراوانی با مردم داشتم.

او بیشتر زندگی خود را به آموزش و تحقیق در دانشگاه ما سنو^۳ مشغول بوده و توانایی‌های رهبری او نه تنها در دستاوردهایش به عنوان یک دستیار فوق دکترا در انگل‌شناسی/حشره‌شناسی، بلکه بیش از آن در غلبه بر چالش‌هایی که در تحقق دستاوردهای علمی و شخصی با آن روبرو شد نیز مشهود بود. او مدرک دکترای خود را همزمان با نگهداری از خانواده‌اش اخذ نمود. البته، شوهرش که در زمان غیبت و مسافرت‌هایش از کودکان مراقبت می‌کرد نیز به شدت از او پشتیبانی می‌نمود. او مدیر مرکز مطالعات دریاچه ویکتوریا و نواحی اطراف (CSOLVE) بود و توانست این مرکز را در خط مقدم تحقیق و گفتگو در زمینه چالش‌ها و حفظ دریاچه

^۳ Maseno University



ویکتوریا قرار دهد. متأسفانه زمانی که منگو از سفرش برای شرکت در مراسم فارغ التحصیلی فرزند خود در ایالات متحده بازگشت، مرکز منحل شده بود.

منگو با انگیزه ادامه فعالیت برای جامعه محلی خود در مقامی دیگر تصمیم گرفت خطر کرده و وارد فعالیت سیاسی در منطقه خود یعنی بوتولا شود.

من پول نداشتم. کمک هزینه ناچیزم را جمع کرده و تصمیم گرفتم وارد این قمار شوم. در پایان سپتامبر ۲۰۰۲، کمپین انتخاباتی خودم را از طریق فعالان کمپین انتخاباتی شوهرم شروع کردم. ممکن است بعضی مردان بگویند من از موج NARC⁴ استفاده کردم، اما از هر چه استفاده کردم انتخاب شدم. هیچ سازمانی از من پشتیبانی نکرد. من فقط منابع اندک خودم را داشتم. من به سراغ زنان رفتم و گفتم: «شما در ۴۰ سال گذشته به مردان رأی دادید، اما حالا من اینجا هستم، یکی از خود شما، به من فرصت بدهید».

با وجود هزاران چالش کلیشه‌ای مالی، فرهنگی و جنسیتی که اغلب زنان با آنها مواجه می‌شوند، او موفق به شکست رقبای مرد خود شده و به عنوان نخستین نماینده زن مجلس در حوزه انتخابی‌اش به عضویت مجلس درآمد.

پروفسور منگو پس از کسب این سمت خود را وقف رسیدگی به مسائل ناخوشایند جامعه محلی خود نمود.

من فقر فراوان حوزه انتخابی خود را دیده بودم، ولی در عین حال منابع طبیعی این حوزه انتخاباتی مانند باران، زمین، و رودخانه‌ها را هم مشاهده کرده بودم. از خودم می‌پرسیدم: «چرا ما فقیر هستیم؟». وقتی کارگاه‌های آموزشی کاهش فقر و امثال آن برگزار می‌شد، شرکت می‌کردم. هر بار که دعوت می‌شدم، می‌رفتم و می‌پرسیدم «چرا ما در بوسیا⁵ فقیر هستیم؟». از آن زمان، به این مسئله علاقمند شده و از خودم پرسیدم: «آیا راهی وجود دارد که بتوانم تغییری کوچک ایجاد کنم؟». من مسیح نیستم اما شاید بتوانم به عنوان یک فرد از این راه یا راهی دیگر کاری انجام دهم.

⁴ حزب ائتلاف ملی رنگین کمان

⁵ Busia



تأثیر بر جامعه محلی

به عنوان یک سیاست‌مدار، بزرگترین اشتیاق منگو در حوزه انتخابیش کمک به دختران جوان و کودکان یتیم بود. او جنبش‌های پارلمانی گوناگونی برای دختران جوان آغاز کرد و موفق به راه‌اندازی جنبشی برای تسریع آموزش دختران جوان و کودکان یتیم در کنیا گردید.

آموزش و پرورش، بهداشت، آب و جاده‌ها در اولویت قرار دارند. در زمینه آموزش و پرورش من تاکنون یک مدرسه متوسطه دخترانه بنا کرده‌ام. این مدرسه در حال حاضر تکمیل شده است و پس از آن مدرسه متوسطه دخترانه دیگری بنا می‌کنم. من دو مدرسه متوسطه پسرانه هم بنا کرده‌ام و علاوه بر آن زمینی خریداری کرده‌ام و در حال خرید ۵۰ جریب زمین دیگر هستم که ابتدا به عنوان یک مرکز امداد یتیمان شروع به کار خواهد نمود، اما در نهایت به یک کالج تبدیل خواهد شد. من تاکنون چهار درمانگاه بنا کرده‌ام که در حال حاضر تکمیل شده‌اند. هم اکنون در حال تأسیس بخش زنان و زایمان در یکی از این مراکز بهداشت و درمان هستم. همانطور که می‌دانید در منطقه ما اچ‌آی‌وی و ایدز، مالاریا و حصبه وجود دارد و به همین دلیل منطقه‌ای دارای اولویت است. من توانستم با چریتی انگیلو^۶ [وزیر سابق بهداشت و آب کنیا] گفتگو کنم. او آمبولانسی برای بیمارستان منطقه‌ام، بیمارستان منطقه انیانزا^۷، به من داد. همان بیمارستان به مرکزی برای توزیع داروهای ضد ویروس دانشگاه موا^۸، در پیوند با دانشگاه ایندیانا و در پروژه‌های با عنوان AMPA، تبدیل شد. این مرکز در نوع خود منحصر به فرد است، زیرا دارو، غذا و پشتیبانی مالی ارائه می‌نماید.

منگو، نقش مهمی در تشویق مردم برای انجام آزمایش اچ‌آی‌وی ایفا نموده است. او جلسات آموزشی عمومی هم در این زمینه برگزار کرده‌است. به گفته او:

^۶ Charity Ngilu

^۷ Nyanza

^۸ Moi University



من در مورد اچ‌آی‌وی و ایدز اشتیاق فراوانی دارم، به جلساتی می‌روم که در آن زنان با من صحبت می‌کنند چون من یک زن هستم. آنها به من می‌گویند: «مادر منگو لطفاً برای ما دارو بیاور تا کودکان یک ساله ما حداقل به ۸ سالگی برسند. آن وقت ما می‌توانیم آن‌ها را به فرد دیگری بسپاریم». این مطلب واقعاً مرا تحت تأثیر قرارداد. من تلاش فراوان نموده و از وزارتخانه درخواست کمک کردم. در نتیجه، افرادی از سفارت آمریکا برای بازدید از محل و امکانات بهداشتی آمدند. در آن زمان بیماران مجبور بودند به بوسیا بروند که در فاصله ۴۰ کیلومتری است. فردی ضعیف، بی پول، و از نظر تغذیه‌ای فقیر باید این راه طولانی را بپیماید. افتتاح بیمارستان زیرمنطقه کمک بزرگی به این مردم است. ... هنگامی که این گروه آمد من هم در VCT (مرکز مشاوره و آزمایش داوطلبانه) آزمایش دادم تا مردم برای انجام آزمایش تشویق شوند.

او می‌گوید در رابطه با پروژه‌های آب به خودش و مردمش قول داده بود که پس از انتخاب چاه‌های کم‌عمق حفر شده در دهه ۱۹۸۰ را بازسازی کند. چاه‌ها به دلیل نبود تعمیر و نگهداری ناشی از سوءمدیریت خشک شده بود.

ما تمامی این چاه‌ها را شناسائی و پروژه‌های بزرگی برای فعال نمودن همه آن‌ها سازمان دادیم. من می‌خواهم آب لوله‌کشی سالم برای مردم فراهم نمایم تا زنان از رنج حمل ظرف‌های آب روی سر یا پشت خود خلاص شوند. من همیشه به شوخی می‌گویم چون زمانی آب روی سرم حمل می‌کردم، گردنم کوتاه است.

منگو همچنین به ساخت کلاس‌های درس کمک کرده است، برای تسطیح جاده‌های روستائی یک گاواهن تأمین نموده است، و به پشتیبانی از پروژه‌های درآمدزا، به خصوص برای زنان، دست زده است. او در مورد آنچه باید انجام شود بسیار صریح بود و در جلسات وقت زیادی صرف صحبت با مردم خود می‌نمود تا بداند نیازهای آنها چیست و مایلند با بودجه توسعه حوزه انتخابی (CDF)^۹ چه کاری انجام دهند.

^۹ صندوق توسعه حوزه انتخابی در کنیا در سال ۲۰۰۳ با تصویب قانون ۲۰۰۳ CDF توسط نهمین مجلس کنیا آغاز به کار نمود. قانون CDF تصریح می‌کند که دولت باید حداقل ۲.۵ درصد درآمد عمومی خود را برای پرداخت به مناطق محلی تحت برنامه CDF تخصیص دهد.



تمرین‌ها

۱. پس از تأمل در زمینه اقدامات کریستین منگو بعد از کسب سمت سیاسی برای پیشرفت جامعه خود، به پرسش‌های زیر پاسخ دهید (بحث و گفتگو در یک گروه یا تأمل فردی).

- اقدامات منگو به عنوان عضو مجلس چه ارتباطی با علائق او و مسائل جامعه محلی‌اش داشت؟
- منگو هنگام پرداختن به هر مسئله در جامعه محلی خود کدام ویژگی‌های یک رهبر خوب را به نمایش گذاشت؟
- به نظر شما آیا پروفیسور منگو هیچ ویژگی رهبری که می‌تواند در مردان مثبت اما در زنان منفی تلقی شود، و بالعکس، را به نمایش گذاشت؟

۲. به عقیده کوزس و پوسنر (۱۹۸۷)، فرایند تبدیل شدن به یک رهبر موفق شامل موارد زیر است:

- **فرآیندهای چالش برانگیز:** رهبر ابتدا فرایندی را می‌یابد که به اعتقاد او بیش از همه نیازمند بهبود است؛
- **ایجاد دیدگاه مشترک:** این موضوع شامل ارائه دیدگاه در قالب کلماتی قابل فهم برای حامیان فرد است؛
- **میدان‌دهی به دیگران برای اقدام:** ارائه ابزارها و روش‌های لازم برای حل مشکلات خاص به مردم؛
- **ارائه الگو:** هنگامی که کار دشوار گردد، رهبر خود دست به کار می‌شود. یک رئیس به دیگران می‌گوید چه کاری انجام دهند در حالی که یک رهبر نشان می‌دهد که می‌توان آن را انجام داد؛ و
- **تشجیع قلب‌ها:** سهیم نمودن پیروان در افتخارات و نگاه داشتن درد در دل خود.

با توجه به داستان پروفیسور منگو، نمونه‌هایی از تجربه خود در زمینه مسائل زیر را به طور انفرادی یا گروهی ذکر کنید:



فرآیندهای چالش طلبانه: نسبت به چه تغییری اشتیاق دارید؟ آیا این تغییر تأثیر مثبتی بر جامعه محلی شما خواهد داشت؟ چگونه می‌توان به آن دست یافت؟

ایجاد دیدگاه مشترک: اگر تغییر مورد نظرتان اتفاق افتد، چه تفاوت یا بهبودی در جامعه محلی شما ایجاد خواهد شد؟

میدان‌دهی به دیگران برای اقدام: دیگران چگونه می‌توانند در ایجاد تغییر مشارکت کنند؟

ارائه الگو: فکر می‌کنید هنگام فعالیت برای ایجاد تغییر چه باید بکنید تا روش انجام کارها را به هواداران خود نشان‌دهید؟

تشجيع قلب‌ها: برای اطمینان از اینکه پیروان شما هم خود را بخشی از فرایند تغییر احساس می‌کنند، چگونه پیروان خود را در موفقیت در ایجاد تغییر سهیم می‌کنید؟

حل مسئله

نمایندگان، فارغ از جنسیت‌شان، پس از انتخاب با مشکلات و چالش‌هایی برای حل مسائل درون جوامع محلی خود مواجه می‌شوند. حل مسئله مهارتی است که می‌توان آن را آموخت و تمرین کرد. همچنین ثابت شده که فرآیند حل مسئله بصورت فراگیر و مشارکتی بهتر صورت می‌گیرد. احتمال آن که زنان دارای سمت‌های تصمیم‌گیری، از جمله زنان دارای مقام سیاسی، رویکردی فراگیر برای حل مسئله اتخاذ کرده و برای رسیدن به بهترین راه حل برای جوامع محلی خود با دیگران مشارکت کنند، بیشتر است.

حل مسئله فرایندی است که با شناسایی و تعریف مشکل، تجزیه و تحلیل، و درک علل بروز آن آغاز شده، با یافتن راه‌حل‌های ممکن و انتخاب مناسب‌ترین آنها ادامه یافته، و با برنامه‌ریزی برای اجراء راه‌حل انتخاب‌شده پایان می‌یابد. «مسئله» را هم می‌توان به عنوان «تفاوت بین آنچه وجود دارد و آنچه باید یا می‌تواند باشد» تعریف کرد. هنگام تأمل درباره مسائل جامعه محلی، به شرایط موجود مؤثر بر کل جامعه یا گروه‌های خاصی در درون آن فکر می‌کنیم. از آنجا که جوامع منحصر به فرد هستند، مسایل آنها گوناگون و نمونه‌ها فراوان خواهد بود. کمبود مسکن مناسب و مراقبت‌های بهداشتی مقرون به صرفه برای همه، نبود مدارس مناسب،



فقدان نظام اقتصادی متنوع و پویا، محیط زیست آلوده و ناامن، کمبود همکاری و احترام در میان مردم مواردی از این فهرست بی‌پایان است.

هر زمان که نیاز به تغییر و وضعیت یا شرایط با شد، مسئله‌ای وجود دارد. حصول پیشرفت به شناسایی مسئله و اراده برای حل آن بستگی دارد. درعین حال، مسئله فرصتی برای پیشرفت ایجاد می‌کند، زیرا مواجهه با موانع و شناسایی مسائل موجب خلق ایده‌هایی برای ایجاد تغییر و بهبود می‌شود. حل مسئله تمرینی است که همیشه بهترین توانایی‌های ما را نمایان کرده و موجب پیشرفت و بهبود ما، هرچند بصورت گام به گام می‌شود. به طور خلاصه، علیرغم نگرش منفی نسبت به کلمه «مسئله»، مسائل جنبه‌های مثبت فراوانی دارند.

داستان پلاگیا تریسی، مولداوی¹⁰

حضور زنان در سیاست و تصمیم‌گیری در مولداوی پائین‌تر از معیارهای بین‌المللی بوده و تعهدات ملی و بین‌المللی کشور را نیز برآورده نمی‌کند. تقویت مشارکت و تصمیم‌گیری سیاسی زنان برای دموکراسی و دستیابی به توسعه پایدار در مولداوی ضروری و از فعالیت‌های مهم آژانس زنان سازمان ملل متحد در این کشور است. داستان پلاگیا تریسی موجب جلب توجه به نتایج مثبت رهبری و حضور سیاسی بیشتر زنان در جوامع محلی گردید.

پس از سازماندهی شهر بوسیله یک زن عضو شورای شهر، محل دفع زباله به جنگل تبدیل شد.

تاریخ: ۱۴ دسامبر ۲۰۱۶

شناسایی مسئله

¹⁰ این داستان از منبع زیر اقتباس شده است :

<http://eca.unwomen.org/en/news/stories/2016/12/landfill-becomes-a-forest-after-woman-councillor-organises-town#sthash.EZExxh4F.dpuf>



روستای تاراکیا¹¹ که در راپا لویی ویسان¹²، یک منطقه گردشگری طبیعی مهم در مولداوی، واقع شده با مشکل محل دفع زباله ناسالم مواجه بود، تا آن که پلاگیا تریسی، عضو محلی شورا که به وسیله یکی از ابتکار عمل‌های آژانس زنان سازمان ملل متحد تعلیم دیده بود، همسایگان خود را به اقدام فراخواند.

یک سال پیش، ۴۰۰۰ نفر سکنه تاراکیا، روستائی در ۵۱ کیلومتری پایتخت مولداوی یعنی شهر کیشینف، از خطرات بهداشتی، بوی بد و چشم‌انداز ناخوشایند یک محل دفع زباله غیر قانونی در نزدیکی روستا رنج می‌بردند. حالا به لطف پلاگیا تریسی، عضو محلی شورا که به وسیله یکی از برنامه‌های آژانس زنان سازمان ملل متحد تعلیم دیده است، محل دفع زباله جمع شده و جای خود را به هوای تازه و جنگل کوچکی از درختان زبان گنجشک، اقاکیا و افرا داده است.

خانم پلاگیا تریسی می‌گوید: «جامعه باید وارد عمل می‌شد. این محل دفع زباله در نزدیکی خانه‌های ما یک همب ساعتی زیست محیطی برای سلامت انسان‌ها بود».

اگر چه تاراکیا میزبان منطقه محافظت شده راپا لویی ویسان، یکی از مهم‌ترین جاذبه‌های گردشگری طبیعی مولداوی بوده و ساکنان و شورا از مدت‌ها پیش از محل دفع غیرقانونی آگاه بوده و در مورد آن بحث و گفتگو کرده بودند، اما پیش از آن که پلاگیا پا پیش نهد اقدامات اندکی انجام شده بود.

تجزیه و تحلیل مسئله و شناسائی راه‌حل‌ها

پلاگیا یک عضو تازه وارد شورای محلی بود که مهارت‌های حل مسئله و تعامل با جامعه محلی را پس از پیوستن به برنامه آموزشی ملی آژانس زنان سازمان ملل متحد برای زنان عضو شورا، با نام Inspir-O!، کسب کرده بود. او پس از مشاوره‌های متعدد با روستاییان، پروژه اکو-تاراکیا را پیشنهاد نمود که جامعه محلی را برای اقدام مشترک و پاک‌کردن تپه‌ها از زباله گرد هم آورد. افرادی

¹¹ Taraclia

¹² Rapa lui Visan



با هر سن و شغل، از کارگران و کارآفرینان گرفته تا جوانان و افراد مسن، همکاری نموده و توده‌های زباله را جمع‌آوری کردند. این توده‌های زباله سپس به محل قانونی دفع زباله در همان نزدیکی منتقل شد.

پلاگیا می‌گوید: «ما مردم را تشویق کردیم تا همکاری کنند و این اتفاق ثابت کرد که کمبود منابع مالی نباید مانع حل مسئله شود. ما دو هکتار زمین را پاک و تسطیح کرده و زمین حاصل‌خیزی برای کاشت درخت آماده نمودیم. دو ماه بعد جنگل جوانی متشکل از ۲۰۰۰ اصله درخت سالم جایگزین آن محل دفع زباله مسموم گردید.»

تأثیر بر جامعه خود

با تشکر از پلاگیا تریسی و توانایی او برای ایجاد انگیزه در جامعه محلی خود، محل دفع زباله از بین رفته است. ابتکارعمل پلاگیا، تاراکلیا را به توسعه خدمات دفع زباله برای جامعه محلی سوق داد و به کسب مجدد موقعیت منحصر به فرد آن کمک کرد. اعضای جامعه سپاس‌گزارند و متوجه شده‌اند که چگونه جنگل در حال بهبود زندگی آنها است.

آقای ولادیمیر کوکریوالی، دهدار روستا، با خوشحالی می‌گوید: «پلاگیا تریسی یک مسئله جدی و قدیمی روستای ما را حل کرد.» خانم ویکتوریا اسکوروکاریا که یکی از ساکنان قدیمی روستا است می‌گوید: «روستای ما دیگر بوی بد نمی‌دهد و مردم سالمتر خواهند بود.»

فرایند حل مسئله

همانگونه که قبلاً اشاره شد، مردم اغلب در نتیجه یک مسئله یا مجموعه مسائلی که جوامع آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با اشتیاق یافتن راه‌حلی برای این مسائل، انگیزه کسب سمت سیاسی را پیدا می‌کنند. آنها به احتمال زیاد هنگام فعالیت برای کسب سمت وعده‌هایی انتخاباتی مبنی بر پرداختن به مسائل با اهمیت می‌دهند. اما پس از انتخاب، برای تحقق این وعده‌های انتخاباتی



مبتنی بر رسیدگی به نیازهای رأی‌دهندگان خود با چالش روبرو می‌شوند. به طور کلی، وعده‌ها و برنامه‌های نامزدهای خوب باید شامل راه‌حل‌های معنی‌دار و فرایند حل مسئله مؤثری باشد که آنها را در تماس با شهروندان قرار دهد. آنها پس از انتخاب موقعیت مناسب‌تری برای اقدام فوری، گوش‌دادن به رأی‌دهندگان، و استفاده از فرایند حل مسئله جهت یافتن راه‌حل‌های دیگر و انجام فعالیت‌های ترویجی به نمایندگی از رأی‌دهندگان خود دارند.

داستان پلاگیا تریسی نمایشگر نکات زیر در مورد مسائل بوده و بر آنها تأکید می‌نماید:

- مسائل می‌توانند زیربنائی برای پیشرفت باشند؛
- مسائل قابل حل هستند؛
- مسائل فرصت‌هایی برای بهبود هستند؛ و
- مسائل بهترین توانایی‌های ما را به منصه ظهور می‌گذارند.

تریسی ثابت کرد که مسئله جدی و قدیمی محل دفع زباله قابل حل بود. او همچنین راه‌حل را هم پیشنهاد نمود: توسعه خدمات دفع زباله برای جامعه. حل این مسئله کیفیت زندگی در جامعه او، تاراکیلا، را بهبود بخشیده و جذابیت گردشگری آن را نجات داد. شهروندان و مقامات محلی هم تلاش‌های او را به خوبی ارج نهاده و برای آن ارزش قائل شدند.

دیگر جنبه مهم این داستان نتایج حاصل از راه‌حل است. محل دفع زباله غیر قانونی بود. در واقع، مردم تاراکیلا زباله‌های خود را در دفع می‌کردند که برایشان راحت بود. با تمیز کردن محل دفع زباله، فقط علائم این مسئله رفع می‌شد. اما پرسش کماکان باقی می‌ماند: آیا تمیز کردن آن منطقه تغییری دائمی ایجاد می‌نمود یا مردم، چون راه دیگری نداشتند، زباله‌های خود را دوباره در همان محل می‌ریختند؟ بخشی از راه‌حل که موجب توسعه خدمات دفع زباله در جامعه محلی تاراکیلا گردید، متضمن پایداری آن بود، زیرا علت ریشه‌ای مسئله را حل نمود. نبود خدمات دفع زباله برای حمل زباله به محل‌های قانونی دوردست موجب شد مردم خود چنین نظامی تأسیس کنند.



این داستان مثالی مناسب از فرآیند حل مسئله، نه تنها از نظر اقدامات لازم بلکه از جهت تجزیه و تحلیل مورد نیاز برای اطمینان از یافتن بهترین یا مناسب‌ترین راه‌حل مسئله است.

تعریف مسئله

هنگام تعریف مسئله، همیشه با آنچه می‌دانیم آغاز می‌کنیم، تا متوجه شویم چه اطلاعاتی را در اختیار نداریم. در مورد روستای تاراکیلا مسئله واضح وجود محل‌های دفع زباله بدبو در نزدیکی روستا بود. اما مسائل دیگر مانند قانونی یا غیرقانونی بودن محل، دلیل انتخاب آن مکان، و علت آنکه مردم زباله‌های خود را در آنجا می‌ریزند، احتمالاً در ابتدا شناخته شده و واضح نبوده است. دستیابی به اطلاعات لازم درباره مسئله‌ای که می‌خواهیم حل کنیم اغلب بسیار دشوار و یا حتی غیرممکن است. بسیاری مسائل وجود دارند و واضح هم هستند اما هیچ‌گونه داده‌ای درباره آنها وجود ندارد. برای مثال، آیا محل دفع زباله تأثیری بر سلامت شهروندان تاراکیلا داشته و اگر بلی چگونه؟ آیا بیماری خاصی بطور فزاینده شهروندان را تحت تأثیر قرار داده و اگر بلی، چه بیماری و به چه میزان؟ بنابراین شما به دنبال موارد زیر می‌گردید:

- **واقعیت‌ها:** چه کسی، چه چیزی، چه زمانی، چه مکانی، چگونه، چقدر؛ اطلاعات دقیقی که مسئله را به درستی منعکس می‌کنند عبارتند از: نام‌ها، اقدامات، مسئولیت‌ها، دفعات یا تواتر، مکان‌ها و محل‌ها، راه‌ها و روش‌ها، مقادیر یا کمیت‌ها.
- **دریافت‌ها:** اطلاعاتی که دقیق نیست، اما مسئله را توصیف می‌نماید: تعداد قابل توجه، بسیار اندک، فردی از دولت، و غیره.
- **گمان‌ها:** حدسیات مربوط به مسئله: احتمالاً، ممکن است، و غیره.
- **نظرات:** مسئله، آن گونه که شما یا دیگران فکر می‌کنید.



هنگام جمع‌آوری اطلاعات، احتمالاً اطلاعاتی از چهار نوع فوق وجود خواهند داشت. برای کسب این اطلاعات می‌توانید داده‌ها و اسناد موجود را بازبینی نمایید، مصاحبه و پیمایش انجام دهید، یا به سادگی از مشاهده مستقیم استفاده کنید. هنگامی که اطلاعات مربوط به مسئله جمع‌آوری شد، می‌توانید به بیان مسئله بپردازید.

بیان مسأله: یک تعریف جامع از مسئله:

- مسئله را از نظر نیازها و نه راه‌حل‌ها تعریف می‌کند؛ و
- مسئله را به عنوان چیزی که همگان در آن سهیم هستند، بدون سرزنش کردن به خاطر آن تعریف می‌کند.

به عنوان مثال:

بیان مسئله مناسب	بیانیه مسئله نامناسب
بیش از ۳۰٪ سالمندان در جامعه تنها زندگی می‌کنند و قادر به انجام کارهای خانه، خرید، تهیه غذا و دسترسی به وسایل نقلیه نیستند.	نیاز شدیدی به خدمات داخل خانه هماهنگ و قابل دسترسی برای سالمندان در جامعه وجود دارد.
نبود مدرسه ابتدایی در محله، خانواده‌ها را وامی‌دارد تا کودکان مدرسه‌ای خود را عمدتاً با استفاده از وسایل نقلیه عمومی به نزدیک‌ترین مدرسه بفرستند، که این امر هزینه‌های ماهانه خانواده‌ها را افزایش داده و موجب می‌شود بعضی خانواده‌ها فرزندان خود را به مدرسه نفرستند.	بسیاری از خانواده‌ها فرزندان خود را به مدرسه نمی‌فرستند، زیرا نمی‌خواهند آنها هر روز با وسایل نقلیه عمومی که آن را پرهزینه و مخاطره‌آمیز می‌دانند رفت‌وآمد کنند.



تمرین:

به یک مسئله که مایل به حل آن در جامعه خود هستید فکر کرده و آن را در قالب بیان مسئله بنویسید.

یافتن راه حل

هر مسئله بیش از یک راه حل دارد، اما برای یافتن راه حلی که بخواهید از آن استفاده کنید، باید به علل ریشه‌ای مسئله توجه کنید. در پزشکی تفکیک علل و علائم کاملاً ساده است. به عنوان مثال، اگر مسئله درد ناشی از شکستگی استخوان است، درمان با داروهای مسکن موجب کاهش درد خواهد شد، اما شکستگی استخوان را درمان نمی‌کند. بنابراین، تنها راه حل دائمی ثابت کردن استخوان است.

برای رسیدن به دلایل ریشه‌ای مسئله، می‌توان از روش «اما چرا؟» استفاده کرد. به این معنی که هر پا سخنی با پرسش «اما چرا؟» پیگیری می‌شود تا زمانی که علل اساسی مسئله شناخته شود.

در اینجا یک مثال ساده در مورد چگونگی این روش ارائه شده است:

مسئله این است: دیر رسیدن مداوم به محل کار

- چرا؟ ● دیر بیدار شدن از خواب
- چرا؟ ● دیر رفتن به رختخواب
- چرا؟ ● به دلیل بی‌خوابی
- چرا؟ ● استرس بیش از حد
- چرا؟ ● انجام ندادن همه کارهای برنامه‌ریزی شده
- چرا؟ ● کار زیاد برای انجام دادن



چرا؟ • ناتوانی در اولویت‌بندی و سازماندهی

در این مثال، روشن است که راه‌حل افزایش توانایی اولویت‌بندی و سازماندهی است که می‌تواند به روش‌های فراوان از آموختن و تمرین ابزارهای اولویت‌بندی گوناگون تا شرکت در یک دوره آموزشی مدیریت زمان یا یافتن فردی برای کمک در انجام وظایف انجام شود که البته همگی منوط به وجود منابع و شرایط است.

مسائل جامعه شما معمولاً به مراتب پیچیده‌تر بوده و شناسایی علل اساسی آنها نیز تمرینی بغرنج خواهد بود. اما قاعده کلی همان است: جستجوی عمیق تا شناسایی علتی که باید به آن پرداخت. در مثال روستای تاراکیلا، مسئله را می‌توان به وضوح به عنوان محل دفع زباله غیر قانونی شناسایی نمود، که خود نتیجه نبود خدمات دفع زباله در زمینه محل دفع زباله قانونی دور از روستا بود. پس از فهرست کردن علت‌ها، بهتر می‌توانید راه‌حل‌های گوناگون و روش‌های محتمل را بیابید. این تمرین را می‌توان به شکل یک جلسه بارش افکار گروهی انجام داد که در آن هر فرد می‌تواند ایده‌ها و دیدگاه‌های خود در زمینه راه‌حل‌های ممکن را بیان کند.

تمرین:

به مسئله‌ای که شناسایی کرده بودید بازگردید، بیان مسئله تمرین پیشین را نوشته و موارد زیر را انجام دهید:

۱. با استفاده از روش «اما چرا؟»، علل این مسئله را شناسایی کنید؛

۲. راه‌حل‌های ممکن برای علت‌ها را فهرست نمایید.

ارزیابی و انتخاب راه‌حل‌ها

هنگامی که تمامی راه‌حل‌ها و روش‌های ممکن فهرست شد، می‌توان بهترین گزینه را برای اجرا انتخاب نمود.



واضح است که انتخاب گزینه به منابع موجود بستگی دارد، اما مطالعه و بررسی بهترین روش‌ها و مداخلات شاهد محور نیز می‌تواند بر گزینه انتخابی شما تأثیر بگذارد. در زیر، پرسش‌های دیگری نیز مطرح شده که ممکن است بخواهید در این مرحله از فرآیند به آنها توجه کنید:

۱. آیا خواهید توانست این مسئله را حل کرده، وضعیت را بهبود بخشیده یا برای رسیدگی به آن کمک کنید؟
۲. آیا شما بهترین فرد برای حل این مسئله هستید یا شخص مناسب‌تر (یا مسئولی) برای این کار وجود دارد؟
۳. آیا هیچ‌گونه اثر منفی ناشی از حل این مساله به ذهن‌تان خطور می‌کند؟ (برای مثال، اگر ساخت یک مدرسه راه‌حلی برای مشکل محله در مثال بیان مسئله باشد، چه خواهد شد اگر تنها قطعه زمین موجود برای ساخت مدرسه مستلزم آن باشد که کودکان مسافت بیشتری برای رسیدن به آن بپیمایند؟)
۴. اگر مداخله موفقیت‌آمیز باشد جامعه چه تغییری خواهد کرد؟
۵. چگونه متوجه می‌شوید که مداخله شما موفقیت‌آمیز بوده است؟

تمرین:

با استفاده از معیارها و پرسش‌های ذکر شده در مرحله ۳ (در بالا)، از لیست راه‌حل‌ها و روش‌هایی که در تمرین پیشین تهیه کردید یک یا دو گزینه را انتخاب کنید.

برنامه‌ریزی برای اجراء راه‌حل‌ها

در نهایت شما آماده تدوین یک برنامه عملیاتی برای مداخله خواهید بود. برنامه‌های عملیاتی شامل پاسخ به پرسش‌های زیر هستند:



- چه تغییر ویژه‌ای ایجاد شده یا کدام جنبه از مداخله انجام خواهد شد؟
- چه کسی آن را انجام خواهد داد؟
- مداخله چه زمانی اجرا خواهد شد یا چه مدت ادامه خواهد داشت؟
- منابع (پول و کارکنان) مورد نیاز/موجود کدامند؟
- چه کسی باید چه چیزی در این زمینه بداند؟
- چه چیزی، به چه اندازه و تا چه زمانی تغییر خواهد کرد؟

تمرین:

با استفاده از جدول زیر، یک برنامه اجرایی برای راه‌حلی که در تمرین پیشین انتخاب کردید تدوین نمایید (می‌توانید هر تعداد ردیف که نیاز دارید اضافه کنید):

چه چیز؟	چه کسی؟	چارچوب زمانی؟	منابع؟	مخاطبان؟	اطلاعات؟	پایش؟
(چه تغییر یا مداخله‌ای صورت خواهد گرفت؟)	(چه کسی آن را انجام خواهد داد؟)	(چه زمانی اجراء خواهد شد یا چه مدت ادامه خواهد داشت؟)	(چقدر پول و یا چند نفر برای مداخله مورد نیاز یا موجود است؟)	(چه کسانی باید در مورد آن بدانند؟)	(چه بخش از اطلاعات باید در دسترس هر یک از مخاطبان قرار گیرد؟)	(چه چیزی، به چه اندازه و تا چه زمانی تغییر خواهد کرد؟)







www.yaldanetwork.com

www.facebook.com/yaldanetwork

www.aparat.com/yaldanetwork

telegram.me/yaldanetwork

© 2016 Yalda Network

تمامی حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به شبکه یلدا است.